خبر

جهانبخش: کی‌روش ۸ سال در فوتبال ایران زحمت کشید

● ملی‌پوش فوتبال ایران گفت: شیوع ویروس کرونا باعث شده شرایط نه‌تنها برای مردم ایران، بلکه برای همه دنیا سخت شود. علیرضا جهانبخش در گفت‌وگوی تلفنی با برنامه ورزش و مردم درباره شیوع ویروس کرونا گفت: شیوع ویروس کرونا باعث شده شرایط نه‌تنها برای مردم ایران، بلکه برای همه دنیا سخت شود. خوشبختانه یک هفته قبل از شیوع این ویروس در دنیا، خانواده‌ام به انگلیس آمده‌اند و حضور آنها قطعا می‌تواند به لحاظ روحی به من کمک زیادی کند. او درباره شرایط تیم برایتون در هفته‌های اخیر گفت: تیم ما زودتر از بقیه تیم‌ها تمریناتش را تعطیل کرد، چون کرونا زودتر از سایر شهرهای انگلیس به برایتون رسید و درواقع شروع شیوع این ویروس از برایتون بود. یکی، دو بازیکن تیم ما نیز علائمی را داشتند و به همین دلیل تمرینات تعطیل شد. بلافاصله پس از این تعطیلی، به ما برنامه تمرینی و غذایی داده شد. همچنین باشگاه برای بازیکنان تجهیزاتی مانند دوچرخه و ... فرستاد تا تمرینات را در خانه داشته باشیم. الان هم که هفته‌ای سه‌بار با بازیکنان و دیگر اعضا به صورت اینترنتی در تماس هستیم.وینگر تیم ملی فوتبال ایران درباره شرایط قراردادش تصریح کرد: دستوری که از فیفا آمد، این بود که بازیکنان باید تا پایان قرارداد خود بمانند. به لحاظ مالی هم اتحادیه فوتبال انگلیس گفت که ۲۰ تا ۳۰ درصد از قرارداد بازیکنان می‌تواند کم شود و باشگاه این مبلغ را بعدا به بازیکنان برگرداند که باشگاه‌ها با این موضوع موافقت نکردند.جهانبخش ادامه داد: ما بازیکنان تصمیم گرفتیم برای سه ماه و هر ماه ۱۰ درصد از قراردادها کم شود تا از فشار روی باشگاه کم شود. در نهایت نیز قرار شد بخشی از قرارداد برای کارکنان و بخشی هم برای کمک به مردم اختصاص پیدا کند. او درباره شرایطش در تیم برایتون گفت: خوشبختانه پیش از شیوع کرونا شرایط بهتری داشتم و روند خوبی بود. قرار بود جلوی آرسنال نیز از ابتدا بازی کنم که مصادف با شیوع کرونا و تعطیلی لیگ برتر شد. حالا باید ببینیم در آینده چه می‌شود.ملی‌پوش فوتبال ایران درباره صحبت‌های اخیر درباره کارلوس کی‌روش و موضوع پاداش‌های او و دیگر مربیان تیم ملی گفت: من هم یک‌سری صحبت‌ها را شنیده‌ام. کی‌روش هشت سال در فوتبال ایران زحمت کشید و بعد از جدایی او متوجه شرایط منفی شدیم. من با بازیکنان تیم ملی هم صحبت کردم و نظر همه بچه‌ها همین است که این هجمه‌ها و صحبت‌ها علیه او حرفه‌ای نیست و کی‌روش هم ایران نیست که بتواند از خودش دفاع کند. به نظرم برخی اظهارنظرها مغرضانه است. من پیش از این درباره پاداش بازیکنان هلند در جام‌های جهانی گذشته حرف زده و گفته‌ام شرایطی که آنها درباره پاداش دارند، قابل مقایسه با ما نیست.

دستورالعمل فیفا به کشورهای عضو؛

لیگ‌های داخلی و جام‌های دیگر ناتمام نمانند

● یک روزنامه قطری از آخرین دستورالعمل فدراسیون جهانی فوتبال خطاب به فدراسیون‌های عضو و تأکید بر ضرورت تکمیل مسابقات لیگ خبر داد. فدراسیون جهانی فوتبال با ارسال دستورالعمل یکسان به فدراسیون‌های عضو موارد مرتبط با برگزاری مسابقات لیگ و تعیین وضعیت فصل نقل‌وانتقالات را تشریح کرد.به نوشته روزنامه الرایه قطر، فیفا در این دستورالعمل اعلام کرده هرکدام از کنفدراسیون‌های قاره‌ها و فدراسیون‌های کشورها می‌توانند درباره نحوه برگزاری ادامه مسابقات بعد از حل بحران کرونا تصمیم‌گیری کنند.در این دستورالعمل بر ضرورت تکمیل مسابقات لیگ و جام‌های دیگر تأکید و اعلام شده کشورها نباید مسابقات را لغو کرده یا ناتمام بگذارند، بلکه بعد از برقراری شرایط باثبات و تضمین سلامتی جامعه مسابقات را پیگیری کنند. درباره نحوه تکمیل مسابقات آزادی عمل به فدراسیون‌ها داده شده که بازی‌ها را طبق روال طبیعی دنبال کنند یا راهکار و روش‌های دیگری را در نظر بگیرند. مسئله مهم تکمیل بازی‌ها و تعیین‌تکلیف رتبه تیم‌ها در جدول است. همچنین فدراسیون‌ها می‌توانند با توجه به شرایط متفاوت موجود در کشورها نسبت به تنظیم تقویم مسابقات و زمان‌بندی فصل نقل‌وانتقالات اقدام کنند.

دایی نه به قول خودش عمل کرد، نه به درخواست خاتمی!

علی دایی؛ نمی‌شود درباره فوتبال ایران حرف زد و از اسم علی دایی به سادگی عبور کرد. او به غیر از چهره مطرح ورزشی فوتبال ایران، چهره‌ای سیاسی هم هست. هرچقدر که تلاش کند از سیاست دور بماند بی‌فایده است. می‌گویند اگر برای بالاترین رده‌های اجرائی در عرصه سیاسی کشور گام بردارد، رأی می‌آورد، ولی خودش می‌گوید به پدر فقیدش قول داده هرگز وارد سیاست نشود. دایی می‌گوید سیاسی نیست، ولی عجیب اینکه در دوره دو رئیس‌جمهور چهره‌ای متفاوت از خود به‌جا گذاشته؛ دو چهره کاملا متفاوت که نشان می‌دهد هرچقدر هم بگوید سیاسی نیست، نمی‌تواند از سیاسیون و رفتارهایشان فاصله بگیرد. اولین رئیس‌جمهوری که رابطه دایی با او سروصدای زیادی به راه انداخت، سیدمحمد خاتمی، رئیس دولت اصلاحات بود؛ این رابطه حسنه و بسیار قابل‌تأمل بود. رابطه دایی با رئیس‌جمهور بعدی؛ یعنی محمود احمدی‌نژاد هم که دیگر بر همگان ثابت شده است؛ این دو دل خوشی از هم ندارند و این ناخوشی را هم مدت‌هاست عیان کرده‌اند؛ گو اینکه ابتدای این رابطه جداشده، محمود احمدی‌نژاد علاقه زیادی به علی دایی داشت. البته که جنس ارتباط دایی با دو رئیس‌جمهور ذکرشده هم متفاوت بود؛ در زمان سیدمحمد خاتمی، دایی بازیکن تیم ملی و یکی از چهره‌های محبوب آن تیم دوست‌داشتنی بود. در دوره بعدی اما دایی درگیر سرمربیگری شد و ماجراهای هدایت تیم ملی و اخراجش توسط احمدی‌نژاد (به گواه اظهارات خودش) داستان آشنایی است که بارها درباره‌اش صحبت شده. البته که گرایش سیاسی علی دایی هم نزدیک به اصلاح‌طلبان و سیدمحمد خاتمی بود؛ امری که باعث شد دعوت احمدی‌نژاد برای پیوستن به ستاد تبلیغاتی‌اش را رد کند و درعوض به کمپین انتخاباتی میرحسین موسوی کمک کند.

دایی-خاتمی؛ احترام متقابل

در زمان ریاست‌جمهوری سیدمحمد خاتمی، علی دایی روزهای خوبش در فوتبال را سپری می‌کرد؛ او نه‌تنها در قاره اروپا توانسته بود نماینده قابلی برای فوتبال ایران باشد، بلکه با گل‌های ملی زیادش، کمک زیادی به موفقیت تیم ملی در آسیا کرد. او در همان برهه توانست رکورد گل‌های زده دنیا در بین تیم‌های ملی را بشکند و نامش را بیشتر از چیزی که بود سر زبان‌ها بیندازد. همان افتخارات و البته شکستن رکورد برترین گلزن ملی دنیا دست به دست هم داد تا سال ۱۳۸۳، سیدمحمد خاتمی نشان درجه سوم لیاقت و شجاعت را بر سینه علی دایی بچسباند؛ نشانی که دایی می‌گوید مهم‌ترین افتخار زندگی ورزشی‌اش است. «من از رئیس‌جمهور و هیئت وزیران تشکر می‌کنم که از این نقطه‌نظر به من توجه داشته‌اند. اگرچه در دوران بازیگری‌ام در سطح تیم‌های باشگاهی و ملی به موفقیت‌های بزرگی دست یافته‌ام، اما اینکه بخواهم از دست رئیس‌جمهور نشان لیاقت کسب کنم، بزرگ‌ترین افتخار زندگی‌ام است».

اگرچه از عمر ریاست‌جمهوری محمد خاتمی زمان زیادی نمانده بود، ولی رابطه دایی و خاتمی ادامه پیدا کرد؛ این رابطه حتی یک دهه بعد عمق بیشتری گرفت تا جایی که دایی می‌گوید اگر بخواهد مشورت سیاسی بگیرد، به سراغ محمد خاتمی می‌رود. اگرچه از زمانی که دایی نشان لیاقت را از دست خاتمی گرفت تا شش سال بعد، خبری ملموس از ارتباط این دو منتشر نشده بود، ولی حادثه‌ای که اسفند ۱۳۹۰ برای علی دایی رخ داد، نشان داد که رابطه دایی و خاتمی، عمیق‌تر از چیزی بوده که در گذشته تصور می‌شد. در آن سال دایی با اتومبیل از اصفهان در حال بازگشت به تهران بود که دچار سانحه شد و در کاشان مورد عمل جراحی قرار گرفت. همان زمان اما سیدمحمد خاتمی، تلفنی حال آقای‌گل جهان را جویا شد و بعد هم متنی منتشر و برای دایی آرزوی سلامتی کرد. او حتی گفت دوست داشته شخصا برای ملاقات دایی می‌رفته است. «بسیار علاقه‌مند بودم که شخصا به عیادت شما بیایم، اما متأسفانه سفری در پیش دارم و این امکان فراهم نیست. شما برای ما عزیز هستید، ان‌شاءالله هرچه سریع‌تر بهبودی کامل حاصل شود و سال خوبی را برای شما و خانواده محترمتان آرزو می‌کنم». دایی در آن زمان با پاسخی کوتاه به محمد خاتمی گفت: «شما در قلب ما جا دارید».

دو سال بعد اما علی دایی در گفت‌وگو با خبرآنلاین نشان داد که چه خاطرات خوبی از خاتمی دارد. او از علاقه زیاد خاتمی به فوتبال و البته از موفقیتش در مدیریت کشور تمجید کرد. «از آقای خاتمی آدم هرچه بگوید کم گفته است. ایشان کسی بود که خیلی به ورزش و تیم ملی علاقه داشت. فکر کنم دوران خوبی هم در مدیریت مملکت ما داشت. من الان هم یکی از کسانی هستم که اگر وقت کنم می‌روم دیدنشان. از صحبت‌هایشان استفاده می‌کنم. با اینکه اصلا آدم سیاسی‌ای نیستم، اما ایشان را یک طور دیگر دوست دارم. همیشه دوست دارم از صحبت‌های ایشان استفاده کنم. خیلی‌وقت‌ها صحبت‌هایش خیلی به من کمک کرده. از کسانی هستم که جدای از مسائل سیاسی ایشان را خیلی دوست دارم». توجه ویژه خاتمی به فوتبال ملی و البته ورزش را بعدها محمد دادگان هم تأیید کرد. او گفت که خاتمی بیشترین حمایت را از فوتبال داشته است. «بیشترین حمایت را از فوتبال آقای خاتمی انجام می‌دادند. بارها آقای خاتمی مرا خواستند و از فوتبال می‌پرسیدند، چراکه می‌گفتند این ورزش برای من اهمیت زیادی دارد. آقای خاتمی به من گفتند در آلمان صدراعظم این کشور برای من دست زد و گفت فوتبال ایران در رده پانزدهم جهان است، اما آلمان هفدهم است! آقای خاتمی به من گفت اگر بدانید در آن لحظه چه حس خوبی داشتم. به‌خاطر همین موضوع در هیئت دولت وقت تصویب کردند و به من نشان لیاقت دادند. در زمان آقای خاتمی هر گرفتاری‌ای که داشتیم که حتی انتظامی و حراستی بود، ایشان به راحتی حل می‌کردند. درباره پاداش‌ها هم هرچه قول داده بودند عملی کردند و یک فوتبالیست نمی‌تواند پیدا کند که بگوید من پاداشم را نگرفته‌ام». دایی کمی بعد هم در مراسم ختم پدرزن خاتمی شرکت کرد تا نشان دهد همان‌طور که خودش گفته، جدای از مسائل سیاسی هم احترام ویژه‌ای برای رئیس دولت اصلاحات قائل است.

یک سال بعد از آن تعریف‌وتمجیدهای دایی، سیدمحمد خاتمی هم تصویری از حضورش در بین بازیکنان ملی‌پوش در صفحه اینستاگرام گذاشت؛ تصویری که مشخصا روی علی دایی زوم شده بود که رئیس‌جمهور وقت داشت روی شانه‌اش توپی را امضا می‌کرد. خاتمی زیر آن عکس نوشت: «روزهای نه‌چندان دور. همراه با تیم ملی فوتبال. به بهانه جام ملت‌های آسیا و به امید پیروزی و قهرمانی تیم ملی کشورمان».

درخواست خاتمی، قول دایی

دایی و خاتمی درست در روزهایی به هم نزدیک شدند که سرنوشت کاری‌شان تغییر زیادی کرد؛ یک سال بعد از آنکه دایی نشان لیاقت گرفت، سیدمحمد خاتمی دیگر رئیس‌جمهور نبود؛ نه او و نه حزب موردعلاقه‌اش کاری در عرصه سیاسی نداشتند. سرنوشت برایش به‌گونه‌ای رقم خورد که سال‌ها بعد از ریاست‌جمهوری هم در تنگنا قرار گرفت و محدودیت‌های زیادی برایش تعریف شد. علی دایی هم دو سال بعد از گرفتن نشان لیاقت از دستان محمد خاتمی، از فوتبال ملی خداحافظی کرد؛ امری که موجب شد تا نه به درخواست خاتمی جامه عمل بپوشاند و نه به قولی که خودش داده بود. ماجرا به همان مراسم اعطای نشان برمی‌گردد؛ جایی که خاتمی در گفت‌وگوی کوتاهی به دایی می‌گوید: «شما بازیکن بزرگی هستید و بزرگ هم خواهید ماند. مردم ایران قدردان زحمات و فداکاری‌های شما هستند و من هم منتظر زدن صدوپنجاهمین گل ملی شما هستم». دایی اما در پاسخ به خاتمی می‌گوید ۱۵۰ گل ملی زیاد است و نباید منتظرش باشد، ولی می‌تواند منتظر صدوبیستمین گل ملی‌اش باشد.

آن زمان که این صحبت‌ها ردوبدل شد، دایی ۹۷ گل ملی داشت؛ آخرین گلی که وارد دروازه بحرین کرده بود برایش نودوهفتمین گل را به ارمغان آورد. او تلاش زیادی کرد به وعده‌ای که داده عمل کند، ولی دو سال بعد درحالی‌که ۱۰۹ گل در کارنامه داشت، از فوتبال ملی خداحافظی کرد.

گفت‌وگو با سلطان‌محمدی، ورزشکار معلولی که از کرونایی‌ها مراقبت می‌کند

فیروزه‌ای از جنس طلا

شرق: فیروزه سلطان‌محمدی، یکی از بانوان ورزشکار معلول ورزش کشور است که باید همت و اراده محکم او را ستود؛ بانویی که تا به الان هیچ اسمی از او در رسانه‌ها نبود، اما آمدن کرونا باعث شد به مردم شناسانده شود. فیروزه که به طور مادرزادی به بیماری لوپوس مبتلاست، سال ۸۸ فعالیتش را در رشته پاراگلایدر آغاز کرد و خیلی زود خود را به جمع برترین‌های کشور در این رشته رساند. مدتی بعد اما اتفاقی ناگوار او را از مسیری که داشت، دور کرد. او بر اثر سانحه‌ای که حین پرواز برایش رخ داد، با آسیب‌دیدگی شدید و معلولیت مواجه شد. سلطان‌محمدی با وجود نقص جسمانی دست از تلاش برنداشت و تصمیم گرفت به جمع ورزشکاران معلول بپیوندد. او حالا یک بانوی دوومیدانی‌کار است که در رشته پرتاب وزنه فعالیت می‌کند، اما دلیلی که موجب شده داستان زندگی فیروزه این روزها مورد توجه قرار بگیرد، پرستاری از بیماران کرونایی است. او این روزها درکسوت پرستار داوطلب در خط مقدم مبارزه با بیماری کووید-۱۹ قرار دارد و بیماران زنجانی را مداوا می‌کند. گفت‌وگوی اختصاصی «شرق» را با این زن فداکار می‌خوانید.

◣ خانم سلطان‌محمدی اول از ورودتان به عرصه ورزش شروع کنید. چه مدتی است که ورزش می‌کنید؟

من سال ۸۸ بود که ورزش را شروع کردم. چون علاقه زیادی به پرواز داشتم، پاراگلایدر را انتخاب کردم. در داخل کشور آموزش‌های اولیه و لازم را دیدم و بعد به ترکیه رفتم تا در یک دوره کلاس‌های پیشرفته امنیت پرواز هم شرکت کنم. از آنجا که برگشتم، اولین پروازم را در ایلام انجام دادم که در مسافت ۵۰ متر بود. کلا من اولین نفری بودم که در این استان با پاراگلایدر پرواز می‌کردم. بعد از آن کارم را در زنجان که محل زندگی‌ام بود ادامه دادم. رفته‌رفته رکوردهایم بهتر شد تا اینکه توانستم به ارتفاع ۹۵ متر هم برسم. طی این مدت در یک دوره رقابت‌های کشوری هم شرکت کردم و سوم شدم تا اینکه با سانحه‌ای که برایم به وجود آمد، دچار معلولیت شدم و دیگر نتوانستم پرواز کنم.

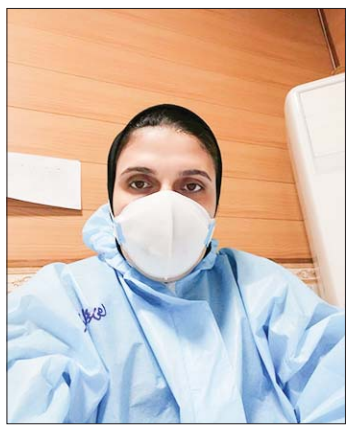

◣ این سانحه در حین پرواز برایتان به وجود آمد؟

بله، سال ۹۶ داشتم برای حضور در مسابقات جهانی آماده می‌شدم که در حین پرواز از ارتفاع ۶۰ متری سقوط کردم و از ناحیه لگن و پا مصدوم شدم. متأسفانه به دلیل اینکه تجهیزاتم کهنه و فرسوده بود و به دلیل هزینه‌های بالا، نتوانستم آنها را درست کنم یا وسیله جدیدی خریداری کنم، این اتفاق برایم افتاد. تمام هزینه‌ها را خودم تأمین می‌کردم و از طرف هیچ نهاد یا ارگانی حمایت نمی‌شدم. بعد از این اتفاق‌ها وضعیت جسمانی‌ام به‌گونه‌ای شد که دیگر نتوانستم ادامه دهم، چراکه به طور مادرزادی به بیماری صعب‌العلاج لوپوس هم مبتلا هستم.

◣ اما خیلی زود دوباره در رشته دیگری از ورزش فعالیتتان را شروع کردید.

بله، ۹ ماه از سقوطم گذشته بود که با خانمی در باشگاه آشنا شدم. چون ورزش را خیلی دوست داشتم، روزها به باشگاه می‌رفتم تا حداقل تمرین بدن‌سازی انجام دهم. این خانم به من گفت اگر ناراحت نمی‌شوی، می‌خواهم یک پیشنهاد به تو بدهم. او به من گفت با توجه به شرایطی که داری بهتر است بروی در یکی از رشته‌های جانبازان و معلولین به صورت حرفه‌ای فعالیت کنی. این‌طور شد که به هیئت جانبازان و معلولین زنجان رفتم و رشته دوومیدانی را انتخاب کردم. به‌خاطر فیزیکی که داشتم، ماده پرتاب وزنه را انتخاب کردم. خوشبختانه روند رو به رشدی در این رشته داشتم و توانستم در رقابت‌های کشوری مقام سوم را کسب کنم. داشتم تمریناتم را انجام می‌دادم که به حضور در رقابت‌های جهانی و پارالمپیک فکر کنم که کرونا آمد و همه‌چیز را به‌هم ریخت.

◣ چه شد که تصمیم گرفتید با این وضعیت جسمانی سخت و سیستم ایمنی ضعیفی که بدنتان دارد، از بیماران کرونایی پرستاری کنید؟

من کارشناس پرستاری هستم و ۲۳ سال سابقه کار دارم. محل خدمتم هم بخش اطفال دانشکده دندان‌پزشکی زنجان است. وقتی کرونا آمد و مردم را در این شرایط سخت می‌دیدم، نتوانستم با خودم کنار بیایم. گفتم با همه مشکلاتی که دارم، باید بروم و به مردم کمک کنم. فکر می‌کنم جنگیدن با کرونا هم یک‌جور مسابقه است. برای همین انتقالی گرفتم و به صورت داوطلبانه محل خدمتم را تغییر دادم. درحال‌حاضر در یکی از اقامتگاه‌های درمانی زنجان که مخصوص بیماران کرونایی است کار می‌کنم. یک‌وقت‌هایی اصلا شب هم نمی‌توانم سر کار بروم. مسئولیت این اقامتگاه برعهده من است. از هفت صبح تا ۱۲ شب سر کار هستم. یک‌وقت‌هایی اصلا شب هم به خانه نمی‌روم؛ این برای اولین‌بار نیست که من در چنین شرایطی قرار می‌گیرم. قبلا هم در بعضی از مناطق زنجان، بیماری سرخک و آنفلوانزای پرندگان اپیدمی شده بود و من به این مناطق اعزام شده بودم. تا هفته پیش وضعیت استان ما برای مقابله با کرونا خیلی خوب بود. تعداد افراد مبتلا کاهش پیدا کرده بود. اما الان یک هفته است که دوباره روند رو به رشدی به خود گرفته است.

◣ با این شرایط پس فعلا از تمرین و ورزش دور هستید؟

بله، الان تنها هدف من این است که در کنار سایر کادر درمانی کشور بیماران را مداوا کنیم تا ان‌شاءالله کرونا ریشه‌کن شود. من تا اسفندماه در داخل خانه تمرین می‌کردم، اما از آن به‌بعد دیگر وقتی برای تمرین نداشتم.

◣ ان‌شاءالله بعد از کرونا برنامه‌تان چیست؟

هدفم حضور در مسابقات جهانی و بعد هم بازی‌های پارالمپیک است. البته این را هم بگویم که با کمک یکی از دوستان خارجی‌ام در نظر دارم دوباره فعالیتم را در رشته پاراگلایدر شروع کنم. ایشان قرار است حامی مالی من باشند. البته تعداد معلولانی که در رشته پاراگلایدر فعالیت می‌کنند خیلی کم است. اگر این رشته وارد مسابقات بین‌المللی معلولان شود، من اولین ایرانی فعال در پاراگلایدر هستم. آن‌قدر عاشق پرواز هستم که با وجود معلولیت نمی‌توانم از آن دست بردارم.

بانک صنعت و معدن
بانک پیشرفت و توسعه

اعلام خاتمه قرارداد همکاری

جناب آقای محمد فیاضی (ک: ۵۳۳۸۳) از کارکنان قراردادی بانک، با توجه به اتمام مدت قرارداد جنابعالی در تاریخ ۱۳۹۸/۰۶/۳۱ و غیبت متوالی و عدم حضور شما در بانک از تاریخ ۱۳۹۸/۰۶/۲۶ بدینوسیله خاتمه همکاری جنابعالی با بانک از تاریخ مذکور که طی نامه شماره ۹۹۴۱۵ مورخ ۱۳۹۸/۱۲/۱۰ نیز اعلام گردیده است و با توجه به تغییر آدرس سکونت بدون اطلاع به بانک، ابلاغیه مذکور ارسالی از سوی دبیرخانه بانک عودت شده است . لذا لازم است جهت تسویه حساب و تعیین تکلیف بدهی و دیون خود به بانک در اسرع وقت به نشانی تهران- خیابان ولی عصر (عج) - بالاتر از تقاطع شهید چمران پلاک ۲۹۱۷- طبقه چهارم مدیریت امور سرمایه انسانی مراجعه نمائید. در صورت عدم مراجعه ظرف یکماه از انتشار آگهی، رهینه جنابعالی به مورد اجرا گذارده خواهد شد.

م الف ۲۰۰

روابط عمومی و امور مشتریان
www.bim.ir

فوتبال

استراماچونی: درک دولتی‌بودن استقلال برایم سخت بود

● آندره‌آ استراماچونی، سرمربی سابق تیم فوتبال استقلال، در گفت‌وگو با سایت «Liberquidiano» ایتالیا برخی از خاطرات چند ماه حضورش در ایران را بازگو کرد.این سایت در مقدمه مصاحبه‌اش با استراماچونی می‌نویسد: آندره‌آ استراماچونی درباره شیوع کرونا در ایران نمی‌تواند به ما کمکی کند، چون او ماه دسامبر سال گذشته و قبل از شیوع ویروس در آنجا به ایتالیا برگشت. بازگشت او اما با حواشی زیادی همراه بود؛ مثل حضور طرفداران استقلال در خیابان‌های شهر برای نشان‌دادن علاقه‌شان به او. او در آنجا به یک شخصیت محبوب تبدیل شده بود. استقلال تهران با او در حال اوج‌گیری بود.

◣ چه شد که تصمیم به مربیگری در ایران گرفتید و چرا استقلال را انتخاب کردید؟

آنها زمانی که سرمربی اسپارتا بودم، مرا زیر نظر داشتند. تابستان سال گذشته اوضاع برای من در اسپارتا خوب پیش نرفت و به همین دلیل مدیربرنامه‌های فدریکو پاستورلو پیشنهاد استقلال را با من مطرح کرد و بعد از آن هم انتقالم به آنجا کامل شد. من خودم را مربی‌ای می‌دانم که برای فوتبال اشتیاق دارد و می‌خواهد فوتبالی زیبا ارائه کند. با ۴۴ سال سن هنوز آن‌قدر پیر نیستم که بخواهم یک‌جا بنشینم.

◣ وقتی از فوتبال ایران حرف می‌زنیم، در ذهنمان تصاویری مانند فوتبال امارات با آن استادیوم‌های نیمه‌خالی‌اش نقش می‌بندد. آیا جو فوتبال ایران هم همان‌طور است؟

به‌هیچ‌عنوان. درواقع کاملا برعکس است. فوتبال ایران دارای ساختارهای قوی و تحسین‌برانگیزی است.

◣ می‌دانیم که باید دید تا باور کرد [اما] تصاویر استادیوم تیم تراکتور در شهر تبریز را دیده‌ایم، همین‌طور یکصد هزار نفری که روی سکوها به دو دسته تقسیم می‌شدند تا دربی ایران (تهران) را تماشا کنند. آیا بین آنها درگیری هم رخ می‌داد؟

به‌هیچ‌عنوان، حتی در مکان‌هایی که شاید به چشم نیاید. بسیاری از صحنه‌های فوتبال در ایران مرا یاد کودکی‌ام و فوتبال دهه ۸۰ ایتالیا می‌اندازد که ورزشگاه‌ها همیشه مملو از جمعیت بودند.

◣ از زندگی در ایران چه چیزهایی آموختید؟

از نظر محیطی، زندگی مردم ایران شور و هیجان زیادی دارد؛ بیشتر از ایتالیا. از نظر فوتبالی خب شما باید خودتان را با سبک فوتبال آنها وفق دهید. فوتبال آسیا کمتر تاکتیکی است و بیشتر روی نبردهای انفرادی تمرکز دارد.

◣ (فوتبال) ایران در چه جایگاهی قرار دارد؟

این کشور با ژاپن برای تصاحب مقام اول فوتبال آسیا رقابت داشت، به همین دلیل حضور در آنجا یک افتخار بود.

◣ در ایران از یک مربی به یک قهرمان ملی تبدیل شدید، هرچند که آن دوران هم گذشت. آیا خودتان انتظارش را داشتید؟

هرگز! به‌خصوص که ایران کشوری با ۸۰ میلیون جمعیت است. با این شرایط آیا شما انتظار دارید که به سراغ یک ایتالیایی بیایند؟ خداحافظی من با آنها هم به یک ماجرای بین‌المللی تبدیل شد. مردم به خیابان‌ها آمدند و بنرهایی را که تصویر من روی آن نقش بسته بود به نمایش درآوردند. حتی سیاست‌مداران هم وساطت کردند. نیازی به گفتن نیست که من در ابتدای ورودم به ایران ناراحت بودم. درباره دلایل رفتنم و اینکه چرا مجبور به ترک ایران شدم (پرداخت‌های نامنظم) هم لازم نیست چیزی بگویم.

◣ استقلال باشگاهی دولتی است که توسط مقامات سیاسی اداره می‌شود. به نظر شما آیا این‌گونه می‌توان فوتبال بازی کرد؟

استقلال باشگاهی است که صددرصد سهامش دولتی است. مدیریت آن زیر نظر وزیر ورزش صورت می‌گیرد. در ابتدا برای من درک سازوکار این باشگاه سخت بود، به‌خصوص بعد از آنکه مدیر باشگاه استعفا کرد. در هفته پنجم ما دربی را باختیم و به رده ماقبل آخر جدول سقوط کردیم. آنها درباره تاکتیک‌های فوتبال من گیج شده بودند. درک سیستم ۳-۴-۳ برایشان سخت بود. بااین‌حال واکنش خوبی به آن نشان دادند و ما ۱۱ برد متوالی کسب کردیم و بعد از سال‌ها صدرنشین جدول شدیم. این‌طور شد که بعد از شش ماه همه کار ما را تحسین کردند و من جایزه بهترین مربی آسیا را در ماه نوامبر گرفتم.

◣ از بیرون از ایتالیا فوتبال این کشور را چگونه می‌بینید؟

غنی، به‌خاطر جست‌وجوهایش برای بالابردن کیفیت بازی.

◣ آیا مربی‌ای هست که او را به‌عنوان الگو قبول داشته باشید؟

بله. من باید از بسیاری از آنها تمجید کنم. گاسپرینی، ساکی، اسپالتی، رانیری، زمن، آنچلوتی و گواردیولا. دوست دارم یک‌بار هم با آلگری شام بخورم.